

رساله یعقوب

مشخصات رساله یعقوب:

هدف:

نشان دادن اعمال غیراخلاقی و
تعلیم رفتار درست مسیحی

نویسنده:

یعقوب، برادر عیسی که رهبر
کلیسای اورشلیم بود.

گیرندگان:

آن دسته از مسیحیان قرن اول
که در مناطق غیریهودی نشین در
خارج از فلسطین سکونت
داشتند، و همه مسیحیان در هر
جا

تاریخ نگارش:

احتمالاً در سال ۴۹ م. پیش از
تشکیل شورای اورشلیم در
سال ۵۰ م.

علت نگارش:

این نامه بیانگر توجه یعقوب به
مسیحیان زیر جفاست که زمانی
جزئی از کلیسای اورشلیم بودند.

آیه کلیدی:

«... شما می‌گویید که راه رسیدن
به خدا، فقط ایمان است و بس!
اما من می‌گویم که اعمال نیک
نیز مهم است. زیرا بدون اعمال
نیک نمی‌توانید ثابت کنید که
ایمان دارید...» (۱۸:۲).



«معجزه آسا!» ... «خارق‌العاده!» ... «بی‌نظیرتر!» وقتی
کانالهای مختلف تلویزیونی را می‌گیریم یا وقتی صفحات
مجلات را ورق می‌زنیم، در سیلی از ادعاهای مبالغه‌آمیز غرق
می‌شویم. تولیدکنندگان با ادعاهای غیرواقعی ما را مطمئن
می‌سازند که این محصولات، «جدید»، «پیشرفته» و
«شگفت‌انگیز»، هستند و زندگی را تغییر خواهند داد. فقط در
ازای مبلغی ناچیز، می‌توانیم «لباسهای تمیزتر»، «دندانهای
سفیدتر»، «مدهایی دلرباتر»، «غذایی خوشمزه‌تر»، داشته
باشیم و صاحب سعادت، دوستان و یک زندگی خوب شویم. پیش از انتخابات سیاسی نیز
کسی نمی‌تواند حریف وعده‌های نامزدهای انتخاباتی بشود. اما حرف ارزشی ندارد و انسان
زود متوجه می‌شود که تمام این ادعاها، توخالی و به دور از واقعیت هستند.

مسیحیان نیز ادعاهای بزرگی می‌کنند و غالباً اعمالشان خلاف گفتارشان می‌باشد. در
حالی که اعتراف می‌کنند به خدا ایمان دارند و جزو مقدسین هستند، محکم به دنیا و
معیارهای دنیوی می‌چسبند. با اینکه همه پاسخهای درست را دارند، اما با زندگی‌شان
انجیل را انکار می‌کنند.

یعقوب با شیوه‌ای مؤثر و انتخاب کلماتی دقیق و کنایه‌آمیز، با اعمال غیراخلاقی
خوانندگان نامه‌اش مقابله می‌کند. به مسیحیت نباید فقط *ایمان داشت*، بلکه باید آن را
زندگی کرد. «چه فایده‌ای دارد که بگویید: "من ایمان دارم و مسیحی هستم"، اما این
ایمان را از طریق کمک و خدمت به دیگران نشان ندهید؟ آیا این نوع ایمان می‌تواند
باعث رستگاری شود؟» (۱۴:۲). محک ایمان ما، *زندگی تغییر یافته* ماست.

ثمره ایمان واقعی بطور حتم اعمال نیک است. موضوع اصلی نامه یعقوب همین است.
در حول و حوش آن، یعقوب نصایحی عملی درباره زندگی مسیحی ارائه می‌دهد.

یعقوب نامه‌اش را با خلاصه‌ای درباره برخی از خصوصیات کلی زندگی مسیحی شروع
می‌کند (۱:۱-۲۷). سپس از مسیحیان می‌خواهد تا در اجتماع با عدل و انصاف عمل کنند
(۱:۲-۱۳). به دنبال این نصیحت عملی، درباره رابطه بین ایمان و عمل بحثی الهیاتی می‌کند
(۲:۱۳-۱۴:۲). سپس بر اهمیت تسلط بر زبان تأکید می‌گذارد (۱:۳-۱۲). در ۳:۱۳-۱۸،
یعقوب دو نوع حکمت و خرد را از هم متمایز می‌کند، یکی آسمانی، دیگری دنیوی. بعد
خوانندگان نامه را تشویق می‌کند تا از آرزوهای ناپاک دست بکشند و خدا را اطاعت
کنند (۱:۴-۱۲). یعقوب کسانی را که به نقشه‌ها و ثروت خود متکی‌اند، سرزنش می‌کند
(۴:۱۳-۵:۶). در پایان او از خوانندگان نامه‌اش درخواست می‌کند تا نسبت به یکدیگر
صبور باشند (۵:۷-۱۱)، در عهد و پیمان خود صادق باشند (۵:۱۲)، برای یکدیگر دعا کنند
(۵:۱۳-۱۸)، و برای وفادار ماندن به خدا به یکدیگر یاری دهند (۵:۱۹ و ۲۰).

این نامه را می‌توان کتابی در باب چگونگی زندگی مسیحی به حساب آورد. در لابلای
صفحات این کتاب دعوت به ایستادگی و تعهد در انتظار شماس است. نامه یعقوب را
بخوانید و *کننده* کلام باشید (۱:۲۲-۲۵).

تقسیم‌بندی کلی

۱- مذهب واقعی

(۱:۱-۲۷)

۲- ایمان واقعی

(۱:۲-۱۲:۳)

۳- حکمت واقعی

(۱۳:۳-۲۰:۵)

یعقوب به آن دسته از مسیحیان یهودی‌نژاد نامه می‌نویسد که به‌خاطر جفا، در سرتاسر حوزه دریای مدیترانه پراکنده شده بودند. آنها به‌خاطر زندگی در میان مخالفانشان، در معرض این وسوسه بودند که مسائل ذهنی را جایگزین ایمان واقعی کنند. این نامه می‌تواند معنای غنی‌ای برای ما داشته باشد، چون به ما یادآوری می‌کند که ایمان واقعی، زندگی را دگرگون می‌سازد؛ و ما را تشویق می‌کند تا ایمان خود را در عمل پیاده کنیم. گفتن اینکه ایمان داریم، آسان است، اما ایمان واقعی باید اعمالی محبت‌آمیز نسبت به دیگران از خود نشان دهد.

موضوعات مهم

موضوع

زندگی با ایمان

توضیحات

یعقوب از ایمانداران می‌خواهد که نه فقط حقیقت را بشنوند، بلکه به آن عمل نیز بکنند. او ایمان توخالی («دعای بدون عمل») را با ایمان با عمل، مقایسه می‌کند. وفاداری در محبت و خدمت، گواه بر ایمان واقعی است.

اهمیت

زندگی با ایمان نتایجی دارد. یقین حاصل کنید که ایمان شما فقط حرف نیست، چون ایمان باید در عمل دیده شود. مترصد به اجرا گذاشتن ایمانتان به طرق مختلف باشید.

آزمایشها

در زندگی مسیحی، آزمایشها و وسوسه‌ها وجود دارد. اما پیروزی موفقیت‌آمیز بر این ناملازمات، موجب بلوغ و ایجاد شخصیت قوی می‌شود.

وقتی مشکلات پیش می‌آیند، آزرده‌خاطر نشوید. بلکه در این مواقع دعا کنید تا خدا به شما حکمت دهد؛ او تمام چیزهایی را که برای رویارویی با جفاها و ناملازمات احتیاج دارید، برآورده خواهد کرد. او به شما صبر خواهد داد و در زمان آزمایش، شما را مستحکم نگاه خواهد داشت.

قانون محبت

ما به‌وسیله رحمت رهایی‌بخش خدا نجات یافته‌ایم، نه با حفظ شریعت. اما مسیح حکمی استثنایی به ما داد: «همسایه خود را مثل خودت محبت کن» (متی ۱۹:۱۹). ما باید کسانی را که در پیرامون ما هستند، محبت و خدمت کنیم.

حفظ قانون محبت نشان می‌دهد که ایمان ما بسیار مهم و واقعی است. برای نشان دادن محبت به دیگران، باید خودخواهی‌هایمان را ریشه کن کنیم.

سخن خردمندانه

حکمت، خود را در سخن گفتن نشان می‌دهد. ما مسؤول عواقب مخرب حرفهای خود هستیم. خرد و حکمت خدا که می‌تواند ما را در مسلط شدن بر زبان کمک کند، و می‌تواند ما را یاری دهد تا بر همه اعمالمان نیز تسلط داشته باشیم.

اگر خرد و حکمت الهی را بپذیرید، گفتار شما تحت‌تأثیر آن قرار خواهد گرفت چون سخنان شما، مشخص خواهد کرد که از منبعی روحانی منشأ می‌گیرد. قبل از سخن گفتن فکر کنید و اجازه بدهید تا خدا به شما خویشتنداری بدهد.

ثروت

یعقوب به مسیحیان تعلیم می‌دهد که با نگرشی که دنیا نسبت به ثروت دارد، سازش نکنند. از آنجا که شکوه ثروت بتدریج از بین می‌رود، مسیحیان باید گنج‌های الهی را از طریق خدمت صادقانه به انسانها، ذخیره کنند. مسیحیان نباید نه از ثروتمندان طرفداری کنند و نه نسبت به فقرا تعصب نشان دهند.

همه ما در چگونگی استفاده از اموال خود، مسؤولیم. ما نباید ثروت‌اندوزی کنیم، بلکه باید نسبت به دیگران سخاوتمند باشیم. ما نباید نه تحت‌تأثیر ثروتمندان باشیم و نه فقرا را حقیر بشماریم.

۱- مذهب واقعی

در یعقوب، خدمتگزار خدا و عیسی مسیح خداوند، به مسیحیان یهودی نژاد که در سراسر جهان پراکنده‌اند، سلام و درود می‌فرستد.

پایداری در آزمایشها و وسوسه‌ها

برادران عزیز، وقتی مشکلات و آزمایشهای سخت از هر سو بر شما هجوم می‌آورند، بسیار شاد باشید، زیرا در آزمایش و سختی‌هاست که صبر و تحملتان بیشتر می‌شود. آپس بگذارید صبرتان فزونی یابد و نکوشید از زیر بار مشکلات شانه خالی کنید، زیرا وقتی صبرتان به حد کمال رسید، افرادی کامل و بالغ خواهید شد و به هیچ چیز نیاز نخواهید داشت.^۵ اما اگر کسی از شما طالب حکمت و فهم برای درک اراده و خواست خداست، باید دعا کند و آن را از خدا بخواهد؛

۲:۱

۱ پتر ۸-۶:۱

۳:۱

روم ۷:۲ ؛ ۵-۳:۵

۵:۱

امت ۱۳-۳:۲

متی ۱۱-۷:۷

یعقوب ۱۷:۳

باز می‌توانیم مهربان باشیم؟ به‌جای گله و شکایت کردن به‌خاطر مشکلات، باید آنها را فرصت‌هایی برای رشد تلقی کنیم. خدا را به‌خاطر اینکه وعده داده که در آزمایش‌ها و سختی‌ها با ما باشد، شکر کنید. از او بخواهید تا در حل مشکلاتتان به شما کمک کند و یا قدرت تحمل آنها را به شما بدهد. بعد صبور باشید. خدا ما را در مشکلاتمان تنها نمی‌گذارد؛ او کنار ما خواهد ماند و کمک خواهد کرد تا رشد کنیم.

۵:۱ جمله «اگر کسی از شما طالب حکمت و فهم برای درک اراده و خواست خداست» را می‌توان چنین نیز ترجمه کرد که «اگر کسی از شما فاقد حکمت باشد.» صحبت یعقوب فقط درباره دانش و خرد نیست؛ او در واقع، درباره توانایی گرفتن تصمیمات حکیمانه در شرایط دشوار سخن می‌گوید. اگر ما محتاج حکمت هستیم، می‌توانیم دعا کنیم تا خدا احتیاج ما را برآورده سازد. حکمت خدا در دسترس است تا راهنمای ما در راه‌ییمان باشد.

۵:۱ وقتی یعقوب از حکمت سخن می‌گوید، منظور او بصیرت عملی است. حکمت با احترام گذاشتن به خدا شروع می‌شود که منتهی به زندگی درست می‌گردد و نتیجتاً به افزایش توانایی تشخیص درست از نادرست می‌انجامد. خدا مایل است که حکمت خود را به ما بدهد. برای دانستن خواست و اراده خدا، باید از او بخواهیم تا اراده‌اش را برای ما آشکار سازد. بعد از آن، باید مشتاق انجام اوامر او باشیم.

۸-۵:۱ امواج دریا وقتی در معرض نیروی باد، جاذبه زمین، و جزر و مد قرار می‌گیرند، چه خروشان می‌شوند! شک و تردید موجب می‌شود که شخص مانند امواج پرجنب و جوشی که به جلو و عقب رانده می‌شوند، بی‌قرار شود. اگر

۱:۱ نویسنده این نامه، یعنی رهبر کلیسای اورشلیم (مراجعه کنید به اعمال ۱۷:۱۲ ؛ ۱۳:۱۵)، یعقوب برادر عیسی بود، نه یعقوب رسول. کتاب یعقوب یکی از اولین رسالات می‌باشد که احتمالاً پیش از سال ۵۰ م. نوشته شده است. بعد از شهادت استیفان (اعمال ۸:۱-۳)، مسیحیان اورشلیم در سرتاسر امپراطوری روم پراکنده شدند. جفا افزایش پیدا کرد. از آنجا که این ایمانداران اولیه از حمایت کلیساهای رسمی برخوردار نبودند، یعقوب در مقام رهبری که نگران حال آنهاست، نامه‌ای می‌نویسد تا در آن شرایط دشوار، آنان را به ایمانشان دلگرم کند.

۲:۱ در متن اصلی، در این آیه کلمه *وسوسه* به کار برده شده که اشاره به آزمایش یا امتحان دارد و نه به وسوسه شدن برای انجام کارهای گناه‌آلود. وقتی خدا ما را آزمایش می‌کند، هیچ وقت ما را وا نمی‌دارد که مرتکب گناه شویم (مراجعه کنید به ۱۲:۱-۱۶).

۳و۲:۱ یعقوب نمی‌گوید اگر بلکه می‌گوید وقتی آزمایشهای سخت هجوم می‌آورند. او فرض را بر این می‌گیرد که ما در آزمایشها خواهیم افتاد، اما می‌توانیم از آنها بهره‌جوییم. یعقوب به ما می‌گوید که سختی‌ها را فرصتی برای آموختن بدانیم. آزمایشها و سختی‌ها می‌تواند به ما صبر بیاموزد. برای دستیابی به متن‌های دیگر درباره صبر (که به آن استقامت و پایداری هم گفته می‌شود)، مراجعه کنید به رومیان ۷:۲ ؛ ۵-۳:۵ ؛ ۸:۲۴ و ۲۵ ؛ ۱۲:۱-۱۶ ؛ ۲ پطرس ۱:۲-۹.

۴-۲:۱ ما نمی‌توانیم به عمق شخصیت خود پی ببریم مگر وقتی نحوه واکنش خود را در زیر فشار مشکلات ببینیم. وقتی همه چیز روبه‌راه باشد، مهربان بودن ساده است، اما وقتی دیگران نسبت به ما بی‌انصافی می‌کنند، آیا

زیرا خدا خرد و حکمت را به هر که از او درخواست کند، سخاوتمندانه عطا می‌فرماید بدون اینکه او را سرزنش نماید.^۶ اما وقتی از او درخواست می‌کنید، شک به خود راه ندهید، بلکه یقین داشته باشید که خدا جواب دعایتان را خواهد داد؛ زیرا کسی که شک می‌کند، مانند موجی است در دریا که در اثر وزش باد به اینسو و آنسو رانده می‌شود.^۷ چنین شخصی، هرگز نمی‌تواند تصمیم قاطعی بگیرد. پس اگر با ایمان دعا نکنید، انتظار پاسخ نیز از خدا نداشته باشید.

^۸ مسیحیانی که از مال این دنیا بی‌بهره هستند، نباید خود را حقیر پندارند، بلکه باید شاد باشند زیرا در نظر خدا بزرگ و سر بلند هستند.^۹ مسیحیان ثروتمند نیز نباید خود را بزرگ بدانند، بلکه باید شاد باشند که ثروت این دنیا، گنج واقعی آنان نیست، زیرا ثروت این دنیا مانند گلی است که بعد از مدتی، در اثر تابش آفتاب سوزان، زیبایی خود را از دست می‌دهد و پژمرده می‌شود. بلی، شخص ثروتمند نیز چنین است؛ پس از اندک زمانی می‌میرد و هر آنچه انجام داده، بی‌ثمر می‌ماند.

۶:۱
متی ۲۲:۲۱
مر ۲۴:۱۱-۲۴

۹:۱
تث ۷:۱۵-۱۱
امت ۵:۱۷
لو ۱۱:۱۴
۱۱وا:۱
اش ۷:۴۰
۱بطر ۲۴:۱

خلاصه فصل‌ها	فصل ۱	پایداری توأم با اطمینان	تجربه عملی شخص مسیحی
فصل ۲	خدمت دلسوزانه	اعمال شخص مسیحی	
فصل ۳	سخنان سنجیده	گفتار شخص مسیحی	
فصل ۴	فروتنی توأم با پشیمانی	احساس شخص مسیحی	
فصل ۵	اهمیت دادن به سهم شدن در نیازهای دیگران	کمک‌های شخص مسیحی	

دارد و از هیچ مقام و ثروتی برخوردار نیست. حتی در کلیساهای امروز به چنین اشخاصی بی‌توجهی می‌شود.

۹:۱-۱۱ اگر ثروت، قدرت، و مقام در نظر خدا هیچ است، چرا ما کسانی را که از این چیزها برخوردارند، اینقدر مهم می‌دانیم و به آنها احترام می‌گذاریم؟ آیا دارایی مادی شما، انگیزه و هدف شما برای زندگی است؟ اگر آنها از دست بروند، چه چیزی باقی می‌ماند؟ آنچه که برای خدا اهمیت دارد، چیزهایی است که در قلب خود دارید، چیزهایی که تا ابد جاودان می‌ماند، و نه حساب بانکی‌تان.

۱۱وا:۱ ثروتمندان باید خوشحال باشند که ثروت در نظر خدا هیچ است، چون ثروت به سادگی از دست می‌رود. فقیران باید خوشحال باشند که ثروت در نظر خدا هیچ است، چون در غیر این صورت نالایق به حساب می‌آیند. ثروت واقعی در زندگی روحانی فرد یافت می‌شود، نه در اموال او. خدا به چیزهای ماندنی (روح‌ها) علاقمند است نه به چیزهای موقتی (پول و دارایی‌ها). به سخنان مسیح در مرقس ۱۹:۴ که در همین زمینه است، مراجعه کنید.

شما نمی‌خواهید که دیگر به این سو و آنسو رانده شوید، ایمان داشته باشید که خدا می‌داند بهترین چیز برای شما چیست. از او بخواهید به شما حکمت بدهد و مطمئن باشید که خدا آن را به شما خواهد داد. در آن صورت می‌توانید تصمیمات قاطع و استوار بگیرید.

۶:۱ شخص شکاک چگونه فردی است؟ کسی است که اطمینان ندارد طریق خدا بهترین است. چنین شخصی کلام خدا را مانند دیگر نظرات انسانی می‌داند و نسبت به آن موضع ناطاعتی را اختیار می‌کند. او در بین احساسات، عقاید دنیوی، و احکام خدا مردد می‌ماند. راه چاره برای اشخاص شکاک این است که از صمیم قلب تسلیم طریق‌های قابل اعتماد خدا شوند. مراجعه کنید به توضیحات مربوط به یعقوب ۱:۵.

۸و۷:۱ «با ایمان دعا کردن» یعنی دعا کردن با این اطمینان که خدا علایق ما را با اهدافش منطبق می‌سازد. برای کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه، توضیحات مربوط به متی ۲۲:۲۱ را بخوانید.

۹:۱ این آیه به شخصی اشاره می‌کند که زندگی فقیرانه‌ای

۱۲:۱

ایو ۱۷:۵-۱۹

امت ۱۲:۳ و ۱۲

۲ تیمو ۸:۴

عبر ۳۴-۳۲:۱۰

یعقو ۱۱:۵

مکا ۱۰:۲ ؛ ۱۱:۳

۱۳:۱

پیدا ۱:۲۲

روم ۹:۹ و ۲۰

۱۶:۱

اقرن ۶:۶

۱۷:۱

پیدا ۱:۱ ؛ ۱۴:۵-۱۶

مز ۱۹:۱-۸ ؛ ۱۳:۶

عبر ۸:۱۳

^{۱۲} خوشبانه حال کسی که آزمایشهای سخت زندگی را متحمل می‌شود، زیرا وقتی از این آزمایشها سربلند بیرون آمد، خداوند تاج حیات را به او عطا خواهد فرمود، تاجی که به تمام دوستداران خود وعده داده است.

^{۱۳} وقتی کسی وسوسه شده، بسوی گناهی کشیده می‌شود، فکر نکند که خدا او را وسوسه می‌کند، زیرا خدا از گناه و بدی بدور است و کسی را نیز به انجام آن، وسوسه و ترغیب نمی‌کند.^{۱۴} وسوسه یعنی اینکه انسان فریفته و مجذوب افکار و امیال ناپاک خود شود.^{۱۵} این افکار و امیال ناپاک، او را به انجام کارهای گناه‌آلود می‌کشاند؛ و این کارها نیز منجر به مرگ می‌گردند، که همانا مجازات الهی است.^{۱۶} پس ای برادران عزیز، در این مورد اشتباه نکنید.^{۱۷} از جانب خدا فقط مواهب نیکو و کامل به ما می‌رسد، زیرا او آفریننده همه روشنایی‌هاست و خدایی است تغییرناپذیر.^{۱۸} او چنین اراده فرمود که ما را بوسیله پیام انجیل، زندگی تازه ببخشد تا ما نخستین فرزندان خانواده الهی او باشیم.

نمی‌دانستم آن کار گناه است. کسی که عذر و بهانه می‌آورد، سعی دارد تقصیر خودش را به گردن چیزی یا کسی دیگر بیندازد. از طرف دیگر، فرد مسیحی مسؤولیت گناهان خودش را به گردن می‌گیرد، به آنها اعتراف می‌کند، و از خدا می‌خواهد تا گناهانش را ببخشد.

۱۳:۱ و ۱۴ کسانی که برای خدا زندگی می‌کنند، اغلب از خود می‌پرسند که چرا باز وسوسه در زندگی آنها هست. آیا آنها را خدا وسوسه می‌کند؟ خدا انسان را *آزمایش* می‌کند، اما او نمی‌کوشد با فریفتن او به گناه، او را *وسوسه* کند. اما او اجازه می‌دهد تا شیطان انسان را وسوسه کند، تا ایمان او را از آلودگی‌ها بزدايد و تا در اتکا به مسیح رشد دهد. اگر در وسوسه‌ها به خدا تکیه کنیم و مطیع کلام او باشیم، می‌توانیم در مقابل گناه پایدار بمانیم.

۱۷:۱ کتاب مقدس اغلب خوبی را به نور و بدی را به تاریکی تشبیه می‌کند. برای خواندن آیاتی که در آنها خدا به نور تشبیه شده است، مراجعه کنید به مزمور ۱:۲۷؛ اشعیا ۶۰:۱۹-۲۲؛ یوحنا ۱:۱-۱۴.

۱۸:۱ مسیحیان قرن اول، اولین نسل از کسانی بودند که به عیسی مسیح به‌عنوان مسیح موعود ایمان آوردند. یعقوب آنها را «نخستین فرزندان خانواده الهی» می‌نامد.

۱۲:۱ دنیا می‌گوید، سعادت از لذت، پول، مقام، شغل، شهرت، و موفقیت به‌دست می‌آید. اما این چیزها نمی‌تواند خوشحالی دائمی ایجاد کند، چون موقتی هستند و نفعی که عاید شخص می‌سازند، همیشگی نیست.

۱۲:۱-۱۵ وسوسه از تمایلات ناپاک درون سرچشمه می‌گیرد، نه از خدا. وسوسه با یک فکر ناپاک شروع می‌شود. و اگر این فکر را بسط دهیم و اجازه بدهیم به مرحله عمل برسد، تبدیل به گناه می‌شود. اگر بگذاریم گناه کار خود را بکند، مانند گلوله‌ای برفی می‌گردد که به هنگام حرکت در سرازیری، هر لحظه بزرگتر می‌شود. بهترین زمان برای متوقف کردن گلوله برفی وقتی است که هنوز خیلی بزرگ نشده یا سرعت آن خیلی زیاد نشده است. برای کسب اطلاعات بیشتر درباره فرار از وسوسه، مراجعه کنید به متی ۴:۱-۱۱؛ اقرنتیان ۱۰:۱۳؛ و ۲ تیموتائوس ۲:۲۲.

۱۳:۱-۱۵ گناه را به گردن دیگران انداختن و آوردن عذر و بهانه برای افکار ناپاک و اعمال گناه‌آلود، کار آسانی است. عذر و بهانه‌هایی که آورده می‌شود، شامل این حرف‌هاست: (۱) تقصیر شخص دیگری است؛ (۲) من نمی‌توانم مانع آن بشوم؛ (۳) همه این کار را می‌کنند؛ (۴) آن فقط یک اشتباه بود؛ (۵) هیچ کس کامل نیست؛ (۶) شریر باعث شد آن کار را بکنم؛ (۷) مرا برای انجام آن کار تحت فشار قرار دادند؛ (۸) من

اعمال نیک نتیجه ایمان است

^{۱۹} برادران عزیز، به این نکته توجه کنید: بیشتر گوش بدهید، کمتر سخن بگویید، و زود خشمگین نشوید. ^{۲۰} زیرا خشم نمی‌گذارد آنطور که خدا می‌خواهد، خوب و درستکار باشیم.

^{۲۱} بنابراین، هر نوع ناپاکی و عادت زشت را که هنوز در وجودتان باقی است، از خود دور کنید؛ و با فروتنی کلام خدا را که در دلتان کاشته شده است، بپذیرید، زیرا این کلام قدرت دارد جانهای شما را نجات بخشد. ^{۲۲} اما فراموش نکنید که این کلام را نه فقط باید شنید، بلکه باید به آن عمل کرد. پس خود را فریب ندهید، ^{۲۳} زیرا کسی که کلام را فقط می‌شنود ولی به آن عمل نمی‌کند، مانند شخصی است که صورت خود را در آینه نگاه می‌کند؛ ^{۲۴} اما به محض اینکه از مقابل آینه دور می‌شود، چهره خود را فراموش می‌کند. ^{۲۵} اما کسی که به کلام خدا که قانون کامل آزادی بشر است، توجه داشته باشد، نه تنها آن را همیشه بخاطر خواهد داشت، بلکه به دستوراتش نیز عمل خواهد کرد، و خدا عمل او را برکت خواهد داد.

^{۲۶} هر که خود را مسیحی می‌داند، اما نمی‌تواند بر زبان تند خود مسلط باشد، خود را گول می‌زند و مذهب او پیشیزی ارزش ندارد. ^{۲۷} در نظر خدای پدر، مسیحی پاک و بی‌عیب کسی است که به کمک یتیمان و بیوه‌زنان می‌شتابد، و نسبت به خداوند وفادار می‌ماند و خود را از آلودگیهای دنیا دور نگاه می‌دارد.

۱۹:۱
امت ۱۹:۱۰ ؛ ۱۸:۱۵ ؛
۲۸و۲۷:۱۷
افس ۳۱،۲۶:۴

۲۱:۱
روم ۱۳و۱۲:۱۳
افس ۲۲:۴
۱ پطرس ۲۳:۱
۲۲:۱
متی ۲۴:۷ ؛ ۵۰:۱۲ ؛
۲۰:۲۸
لو ۴۶:۴-۴۹
یو ۱۷:۱۳

۲۵:۱
۲ قرن ۱۷:۳ و ۱۸
غلا ۱:۵
یعقوب ۱۲:۲
۱ پطرس ۱۶:۲

۲۶:۱
امت ۳:۱۳ ؛ ۲۳:۲۱
۲۷:۱
تث ۲۹:۱۴ ؛ ۱۷:۲۴-۲۰
کول ۳-۱۳
یعقوب ۴:۴
ایو ۱۷-۱۵:۲

مهم‌تر است. میزان اثربخشی مطالعه کتاب مقدس را می‌توان با اثری که بر رفتار و کردار ما می‌گذارد، سنجید. **۲۵:۱** «قانون کامل آزادی بشر» را بصورت «شریعت آزادی» یا «شریعت کاملی که آزادی می‌بخشد» هم می‌توان ترجمه کرد. به نظر تناقض دارد که شریعت بتواند به ما آزادی بخشد. اما شریعت خدا گناهی را که در زندگی ما هست، به ما نشان می‌دهد و این فرصت را به ما می‌دهد که از خدا طلب بخشش کنیم (مراجعه کنید به رومیان ۷:۷ و ۸). ما مسیحیان با فیض خدا نجات پیدا کرده‌ایم. نجات دربردارنده آزادی از سلطه گناه است. در این نجات ما می‌توانیم طوری مقدس زندگی کنیم که به هیچ طریق دیگری نمی‌توانستیم. ما ایمانداران آزادییم تا آن طوری زندگی کنیم که خدا ما را برای آن خلق کرد. البته، این به آن معنا نیست که ما آزادییم تا باب میل خودمان زندگی کنیم (مراجعه کنید به ۱ پطرس ۲:۱۴-۱۶).

۲۷:۱ در قرن اول، یتیمان و بیوه‌زنان پشتوانه مالی بسیار کمی داشتند. اگر یکی از اعضای خانواده راغب به

۱۹:۱ اگر زیاد سخن بگوییم و کم گوش بدهیم، چیزی که به دیگران القا می‌شود، این است که ما تصور می‌کنیم عقایدمان به مراتب مهم‌تر از عقاید آنهاست. یعقوب حکیمانه به ما نصیحت می‌کند که برعکس این عمل کنیم. در ذهن خود، مراقب طول مدت گفتگوی خود با دیگران باشید و ببینید چه مقدار حرف می‌زنید و چه مقدار گوش می‌دهید. آیا در گفتگو، دیگران این احساس را می‌کنند که نظرات و عقاید آنها ارزش دارد؟

۱۹:۱ و ۲۰ خشمی که این آیه از آن سخن می‌گوید، زمانی بروز می‌کند که عزت نفس ما جریحه‌دار می‌شود، زمانی که به غرور ما خدشه وارد می‌شود، زمانی که کسی به نظرات ما گوش نمی‌دهد. وقتی بی‌عدالتی و گناه روی می‌دهد، باید خشمگین شویم چون به دیگران آسیب می‌رسد. اما وقتی در یک مشاجره موفق نمی‌شویم دیگران را با عقیده خود همراه بسازیم، یا وقتی حس می‌کنیم که به ما بی‌توجهی می‌شود، نباید خشمگین شویم. خشمی که از روی خودخواهی باشد، هرگز کمکی به کسی نمی‌کند. **۲۵-۲۲:۱** دانستن کلام خدا مهم است، اما اطاعت از آن

۲- ایمان واقعی

از ثروتمندان طرفداری نکنید

۲ برادران عزیز، چگونه می‌توانید ادعا کنید که از آن عیسی مسیح، خداوند پر جلال هستید، درحالی‌که از ثروتمندان طرفداری می‌کنید و فقرا را پست می‌شمایید؟

۲ فرض کنید شخصی به کلیسای شما بیاید که لباس گرانبها بر تن و انگشترهای طلایی بر انگشتانش دارد؛ و در همان لحظه، شخصی فقیر با لباس‌های کثیف نیز

۱:۲

لاو ۱۹:۱۵

تث ۱۹:۱۶

امث ۲۳:۲۴ : ۲۱:۲۸

اقرن ۸:۲

طرفداری کردن

چرا طرفداری کردن از ثروتمندان اشتباه است:

- ۱- با تعلیم مسیح سازگاری ندارد.
- ۲- از افکار ناپاک ناشی می‌شود.
- ۳- انسانهایی را که شبیه خدا ساخته شده‌اند، بی‌اهمیت جلوه می‌دهد.
- ۴- یکی از ثمرات جانبی انگیزه‌های خودخواهانه است.
- ۵- با تعریف کتاب مقدس از محبت در تضاد است.
- ۶- بیانگر بی‌توجهی به افراد کم‌اقبال است.
- ۷- ریاکارانه است.
- ۸- گناه است.

نگهداری از آنها نمی‌بود، مجبور می‌شدند گدایی کنند، خود را به بردگی بفروشدند، و یا از گرسنگی بمیرند. کلیسا با مراقبت از این اشخاص عاجز، کلام خدا را به مرحله عمل می‌رساند. کلیسا بدون داشتن انتظار در مقابل کاری که می‌کرد، معنای خدمت به دیگران را نشان می‌داد. این چیزی است که عیسی از همه ایمانداران واقعی انتظار دارد.

۱:۲ در این فصل یعقوب درباره لزوم اعمال نیک بحث می‌کند. او سه حقیقت را بیان می‌دارد: (۱) سرسپردگی جزء اساسی ایمان است. شما نمی‌توانید فقط با تصدیق اصول صحیح یا پذیرفتن حقایق کتاب مقدس، مسیحی باشید. باید فکر و قلب خود را به مسیح بسپارید (۱۹:۲). (۲) اعمال نیک گواه بر ایمان واقعی است. مسیحی واقعی زندگی تغییر یافته‌ای دارد (۱۸:۲). (۳) ایمان بدون اعمال نیک هیچ نفعی به کسی نمی‌رساند و بی‌فایده است (۱۷-۱۴:۲). این عبارات با تعلیم پولس مبنی بر اینکه نجات فقط از طریق ایمان میسر است سازگاری دارد. پولس بر هدف ایمان که همانا به‌ارمغان آوردن نجات است، تأکید می‌گذارد، و یعقوب بر نتایج ایمان که همانا زندگی تغییر یافته می‌باشد.

۱:۲ ما اغلب با کسانی که لباس خوبی به تن می‌کنند و قیافه تحسین‌برانگیزی دارند، بهتر از کسانی که ظاهر

فقیرانه‌ای دارند، رفتار می‌کنیم. علت آن این است که ترجیح می‌دهیم با اشخاص موفق معاشرت داشته باشیم تا افراد ناموفق. با معاشرت با افرادی که مورد ستایش هستند، احساس غرور و مباهات می‌کنیم. اما همان‌طور که یعقوب به ما یادآوری می‌کند، طنز در اینجاست که اشخاص به ظاهر برنده، ممکن است زندگی پرتجمل خود را از طریق ما به دست آورده باشند. به‌علاوه برای ثروتمندان ایجاد رابطه با خداوند عیسی که به‌عنوان خدمتگزاری فروتن به این جهان آمد، سخت می‌نماید. آیا شما به آسانی تحت تأثیر مقام، ثروت، یا شهرت قرار می‌گیرید؟ آیا شما جانب «داراها» را می‌گیرید، و به «ندارها» بی‌اعتنایی می‌کنید؟ این تبعیض گناه است. خدا به همه به یک دید نگاه می‌کند و اگر بخواهد از کسی طرفداری کند، حتماً از فقرا و اشخاص ناتوان طرفداری خواهد کرد که نمی‌توانند چاره‌ای برای خود بیندیشند. ما باید از خدا سرمشق بگیریم.

۲:۲-۴ چرا سنجیدن ارزش اشخاص از روی موقعیت مالی اشتباه است؟ ثروت ممکن است از طریق هوش و ذکاوت، اتخاذ تصمیمات حکیمانه و سخت‌کوشی به‌دست آمده باشد. از طرف دیگر، ممکن است فقط به این معنا باشد که شخص این اقبال خوب را داشته که در خانواده ثروتمندی به دنیا آمده است. یا حتی می‌تواند نشانه طمع،

وارد شود؛^۳ و شما به آن ثروتمند توجه بیشتری نشان دهید و بهترین جا را به او تعارف کنید، اما به آن فقیر بگویید: «برو آنجا بایست یا اگر می‌خواهی، روی زمین بنشین!»^۴ آیا این نشان نمی‌دهد که شما ارزش اشخاص را از روی دار و ندارشان می‌سنجید؟ بنابراین انگیزه‌هایتان نادرست هستند.

^۵ برادران عزیز، به من گوش دهید: خدا مردم فقیر را برگزیده تا در ایمان ثروتمند باشند و از برکات ملکوت خدا برخوردار گردند، ملکوتی که خدا به دوستداران خود وعده داده است.^۶ با اینحال، شما فقیر را حقیر می‌شمارید. آیا فراموش کرده‌اید که همین ثروتمندان هستند که حقتان را پایمال می‌کنند و بعد شما را به دادگاه نیز می‌کشاند؟^۷ اغلب همین افراد هستند که عیسی مسیح را مسخره می‌کنند، یعنی همان کسی را که نام شریفش بر شما قرار دارد.

^۸ چقدر خوب می‌شد همواره این حکم خداوندان را اطاعت می‌کردید که می‌فرماید: «همسایه خود را دوست بدار، به همان اندازه که خود را دوست می‌داری.»^۹ اما وقتی از ثروتمندان طرفداری می‌کنید، این حکم خداوندان را

۴:۲

یو ۲۴:۷

۵:۲

امث ۱۷:۸-۲۱

متی ۳۵: ۱۱:۶

لو ۲۰: ۱۲:۲۱

اقرن ۱: ۲۷

اقرن ۲: ۱۰:۶

۷:۲

اعما ۱۱: ۲۶

اپتر ۴: ۱۶

۸:۲

لاو ۱۹: ۱۸

متی ۱۲: ۷

روم ۸: ۱۳

بکشیم (متی ۱۹: ۶-۲۱؛ ۲۸: ۱۹-۳۰؛ لوقا ۱۲: ۱۴-۳۴؛ رومیان ۱۵: ۸-۲۱؛ اتیموتائوس ۱۷: ۶-۱۹).

^۴ وقتی یعقوب درباره فقرا سخن می‌گوید، منظور او کسانی است که هیچ پولی ندارند، و همچنین کسانی که روش ابتدایی زندگی‌شان مورد نفرت اکثریت قشر مرفه جامعه ما است. شاید فقرا خدمت کردن را به ریاست کردن، روابط انسانی را به امنیت مالی، صلح را به قدرت ترجیح بدهند، اما این به آن معنا نیست که فقرا خودبه‌خود به بهشت خواهند رفت و ثروتمندان به جهنم. اما باید اذعان داشت که معمولاً مردم فقیر بیشتر از ناتوانی خود آگاهند و از این رو معمولاً برای آنها آسانتر است که به نیاز خود به نجات اقرار کنند. یکی از بزرگترین موانع دستیابی به نجات غرور در ثروتمندان است و تلخی در فقرا.

^۵ ما باید با همه مردم طوری رفتار کنیم که دوست داریم آنها با ما رفتار کنند. ما نباید به ثروتمندان بی‌اعتنایی کنیم، چون در این صورت از محبت کردن به آنها دریغ کرده‌ایم. اما از طرف دیگر، نباید از آنها به‌خاطر گاری که می‌توانند برای ما بکنند، طرفداری کنیم و نسبت به فقرا بی‌اعتنا باشیم چون چیزی در قبال محبت ما ندارند که بدهند (همچنین مراجعه کنید به لایوان ۱۹: ۱۸؛ متی ۲۲: ۳۷-۴۰؛ رومیان ۱۳: ۸).

فریب‌کاری، و خودخواهی باشد. اگر ما به کسی احترام بگذاریم فقط به این خاطر که خوب لباس می‌پوشد، در واقع به ظاهر او بیش از شخصیتش اهمیت داده‌ایم. ما گاهی این کار را می‌کنیم چون (۱) فقر باعث ناراحتی ما می‌شود و ما نمی‌خواهیم با مسؤلیت خودمان در قبال اشخاصی که از نظر مالی در سطح پایین‌تری از ما هستند، روبرو شویم؛ (۲) ما نیز می‌خواهیم ثروتمند شویم و امید داریم از شخص ثروتمند برای رسیدن به هدف استفاده کنیم؛ (۳) می‌خواهیم که شخص ثروتمند به کلیسای ما ملحق شود تا کلیسا را از نظر مالی حمایت کند. تمام این انگیزه‌ها خودخواهانه است؛ هیچ کدام از آنها به فرد ثروتمند یا فرد فقیر به چشم انسانی که نیاز به دوستی دارد، نگاه نمی‌کند. اگر ما می‌گوییم که مسیح، خداوند زندگی ماست، پس باید مانند او نیز زندگی کنیم، یعنی از کسی طرفداری نکنیم و همه انسان‌ها را بدون در نظر گرفتن شرایط مالی‌شان محبت کنیم.

^۶ ما اغلب از ثروتمندان جانبداری می‌کنیم چون به اشتباه تصور می‌کنیم که آنان ثروتمندند به دلیل اینکه خدا بر کتشان داده است. اما خدا وعده پاداش یا ثروت را در این دنیا به ما نمی‌دهد؛ در حقیقت، مسیح ما را دعوت می‌کند تا آماده عذاب کشیدن به‌خاطر او باشیم و برای حفظ حیات ابدی از همه چیز دست

زیرپا می‌گذارید و به این ترتیب، مرتکب گناه می‌شوید.^{۱۰} کسی که همه احکام خدا را مو به مو اجرا کند، ولی در یک امر کوچک مرتکب اشتباه شود، به اندازه کسی مقصر است که همه احکام خدا را زیرپا گذاشته است.^{۱۱} زیرا همان خدایی که گفت: «زنا نکنید»، این را نیز گفت که «قتل نکنید». پس اگر زنا نکنید، اما مرتکب قتل شوید، بهر حال از حکم خدا سرپیچی کرده‌اید و در برابر او مقصر می‌باشید.

^{۱۲} خدا شما را روزی داوری خواهد فرمود تا مشخص شود آیا به خواست مسیح عمل کرده‌اید یا نه. پس مواظب اعمال و افکار خود باشید؛^{۱۳} زیرا بر کسی که در این دنیا رحم نکرده است، رحم نخواهد شد؛ اما اگر نسبت به مردم، رحیم بوده باشید، آنگاه رحمت الهی بر داوری او چیره خواهد شد.

تسلط بر زبان

^{۱۴} برادران عزیز، چه فایده‌ای دارد که بگویید «من ایمان دارم و مسیحی هستم»، اما این ایمان را از طریق کمک و خدمت به دیگران نشان ندهید؟ آیا این نوع ایمان می‌تواند باعث رستگاری شود؟^{۱۵} اگر دوستی داشته باشید که محتاج خوراک و پوشاک باشد،^{۱۶} و به او بگویید: «برو بسلامت! خوب بخور و خودت را گرم نگهدار»، اما خوراک و پوشاک به او ندهید، چه فایده‌ای دارد؟^{۱۷} پس ملاحظه می‌کنید ایمانی که منجر به اعمال خیر نگردد، و با کارهای نیک همراه نباشد، اصلاً ایمان نیست، بلکه یک ادعای پوچ و توخالی است.
^{۱۸} این ایراد، بجا خواهد بود اگر کسی بگوید: «شما می‌گویید که راه رسیدن به خدا، فقط ایمان است و بس! اما من می‌گویم که اعمال نیک نیز مهم است. زیرا

۱۰:۲

تث ۲۶:۲۷

متی ۱۹:۵ و ۱۹

غلا ۳:۵

۱۱:۲

خرو ۱۴:۲۰ و ۱۴

تث ۱۸:۱۷ و ۱۸

متی ۱۸:۱۹

۱۲:۲

یعقو ۲۵:۱

۱۳:۲

متی ۳۵-۳۲-۱۸

۱۵:۲

متی ۳۶ و ۳۵:۲۵

۱۶:۲

ایو ۱۷:۳

۱۷:۲

غلا ۵:۵

یعقو ۲۶:۲، ۱۶-۱۴-۲

۱ پط ۹-۵:۱

۱۸:۲

متی ۱۶:۷

روم ۲۸:۳

بخشش دیگران دریغ بورزیم، معلوم می‌شود که رحمت خدا را درک نکرده و قدر آن را ندانسته‌ایم (مراجعه کنید به متی ۱۵:۱۴ و ۱۵:۴ و ۳۱:۳۲).

^{۱۴:۲} پذیرش عقلانی، یعنی پذیرش مجموعه‌ای از تعالیم مسیحیت، ایمان ناقصی است. ایمان واقعی زندگی ما را دگرگون می‌سازد. اگر زندگی ما بدون تغییر باقی مانده است، ما واقعاً به حقایقی که ادعا می‌کنیم ایمان داریم، ایمان نداریم.

^{۱۷:۲} زندگی کردن طبق خواسته خدا، ما را وارد ملکوت خدا نمی‌سازد، بلکه نشان می‌دهد که سرسپردگی ما به خدا واقعی است. اخلاق و رفتار خداپسندانانه جانشینی برای ایمان به مسیح نیست، بلکه تأییدی بر آن می‌باشد.

^{۱۸:۲} در نگاه اول، به نظر می‌رسد این آیه با رومیان ۲۸:۳ در تضاد است که می‌فرماید: «ما بوسیله ایمان به عیسی

^{۱۰:۲ و ۱۱} دیدن گناهان دیگران و چشم‌پوشی از گناهان خودمان یا توجیه کردن آنها، کار آسانی است. یعقوب به ما یادآوری می‌کند که اگر فقط یکی از احکام خدا را زیر پا بگذاریم، گناهکار هستیم. اگر بخشی از احکام خدا را زیر پا بگذارید، مانند اینست که همه را زیر پا گذاشته‌اید. پس به این ترتیب شما که تمامی احکام او را زیر پا گذاشته‌اید، احتیاج دارید که مسیح جریمه گناهانتان را پردازد. سعی کنید خودتان را با معیارهای خدا بسنجید، نه دیگری را. در هر قسمت که احتیاج به آموزش دارید، از خدا طلب بخشش بکنید و از نو بکوشید تا با اعمالتان ایمان خود را نشان بدهید.

^{۱۳:۲} گناهان ما فقط و فقط با رحمت خدا بخشیده شده است. ما نمی‌توانیم بخشش گناهان را با بخشیدن دیگران کسب کنیم. اما وقتی پس از دریافت بخشش از خدا، از

شما بدون اعمال نیک نمی‌توانید ثابت کنید که ایمان دارید. اما همه می‌توانند از روی اعمال و رفتار من، ببینند که من ایمان دارم.»

^{۱۹}ممکن است کسی به خود بی‌بالد و بگوید: «من ایمان دارم که خدا یکی است!» چنین شخصی باید بخاطر داشته باشد که دیوها نیز به این ایمان دارند، چنان ایمانی که از ترس به خود می‌لرزند! ^{۲۰}ای نادان! آیا نمی‌خواهی درک کنی که ایمان بدون انجام اراده خدا، بی‌فایده و بی‌ثمر است؟ بلی، ایمانی که اعمال خیر به بار نیاورد، ایمان واقعی نیست.

^{۲۱}مگر به یاد نداری که جدمان ابراهیم نیز بسبب اعمال خود در نظر خدا عزت یافت؟ چون او حاضر شد پسر خود اسحاق را برای خدا قربانی کند. ^{۲۲}پس می‌بینید که ایمان او به خدا باعث شد که او از خدا کاملاً اطاعت کند؛ در واقع، ایمان او با اعمال و رفتارش کامل گردید. ^{۲۳}از اینرو، نتیجه همان شد که کتاب آسمانی می‌فرماید: «ابراهیم به خدا ایمان آورد و مقبول او واقع گردید، و حتی «دوست خدا» نامیده شد.»

^{۲۴}پس می‌بینید که انسان علاوه بر ایمان، بوسیله اعمال خود نیز رستگار می‌گردد.

^{۲۵}«راحاب» فاحشه نیز نمونه دیگری است برای این موضوع. او در اثر اعمال خود رستگار شد، زیرا مأموران قوم خدا را پناه داد و بعد، ایشان را از راه دیگر به سلامت روانه نمود. ^{۲۶}خلاصه، همانطور که بدن بدون روح، مرده است، ایمانی هم که اعمال نیک به بار نیاورد، مرده است.

۱۹:۲

تث ۴:۶

اش ۱۰:۴۳ ؛ ۸۶:۴۴

متی ۲۸:۲۹ و ۲۹

۲۰:۲

غلا ۵:۶

یعقو ۲:۱۴، ۱۷، ۲۶

۲۱:۲

پیدا ۱۶:۲۲-۱۸

۲۲:۲

عبر ۱۷:۱۱

۲۳:۲

پیدا ۶:۱۵

اش ۸:۴۱

یو ۱۵:۱۳-۱۵

روم ۳:۴-۵

۲۵:۲

یوش ۴:۲، ۱۵، ۱۶

عبر ۱۱:۳۱

۲۶:۲

غلا ۵:۶

یعقو ۲:۱۴، ۱۷، ۲۰

کرد، نیک (بی‌گناه) محسوب شد، و پولس می‌گوید، او به‌خاطر ایمانی که داشت، نیک (بی‌گناه) محسوب شد (رومیان ۱:۴-۵). یعقوب و پولس یکدیگر را نفی نمی‌کنند، بلکه تکمیل‌کننده یکدیگرند. ایمان نجات را برای ما به ارمغان می‌آورد؛ اطاعت فعالانه نشان می‌دهد که ایمان ما واقعی است.

۲۵:۲ راحاب در اریحا زندگی می‌کرد، شهری که قوم اسرائیل در بدو ورود به سرزمین موعود، آن را فتح کردند (یوشع ۲). وقتی جاسوسان اسرائیلی وارد شهر شدند، راحاب آنان را پنهان کرد و یاری داد تا فرار کنند. به این ترتیب او نشان داد که به هدفی که خدا برای قوم اسرائیل داشت، ایمان دارد. در نتیجه، وقتی شهر نابود شد، او و خانواده‌اش نجات پیدا کردند (یوشع ۲). نویسنده نامه به عبرانیان در فصل ۱۱ آیات ۳۱ و ۳۲ راحاب را در فهرست قهرمانان ایمان قرار می‌دهد.

مسیح نجات پیدا می‌کنیم و در حضور خدا بی‌گناه به حساب می‌آییم، نه بسبب کارهای خوب خود یا انجام تشریفات مذهبی. اما بررسی بیشتر نشان می‌دهد که تعالیم یعقوب و پولس با هم اختلافی ندارند. اگرچه درست است که اعمال خوب ما نمی‌تواند نجات را عاید ما سازد، اما نتیجه ایمان واقعی همیشه زندگی تغییر یافته و اعمال نیک است. پولس خطاب به کسانی سخن می‌گوید که سعی دارند بجای ایمان واقعی با اعمال نیک نجات پیدا کنند؛ یعقوب خطاب به کسانی سخن می‌گوید که پذیرش عقلانی صرف را با ایمان واقعی اشتباه می‌گیرند. با تمام این اوصاف، حتی شیاطین نیز می‌دانند عیسی کیست، اما از او اطاعت نمی‌کنند (۱۹:۲). ایمان واقعی مستلزم وقف تمامیت وجودمان به خداست.

۲۴-۲۱:۲ یعقوب می‌گوید ابراهیم به‌خاطر عملی که

مهاردردن زبان

۱:۳ متی ۱۰-۸:۲۳ روم ۲۰-۱۷:۲ یعقوب ۲۶:۱ ۲:۳ یعقوب ۴:۱	برادران عزیز، سعی نکنید اشتباهات دیگران را فوری به ایشان گوشزد کنید، زیرا همه ما دچار اشتباه می شویم؛ و ما معلمین دینی که احکام خدا را می دانیم، اگر مرتکب اشتباه گردیم، شدیدتر از دیگران مجازات خواهیم شد. اگر کسی بتواند بر زبان خود مسلط شود، قادر خواهد بود در سایر موارد نیز بر خود مسلط باشد. ^۳ آسبی بزرگ را با دهنه ای کوچک مطیع خود می سازیم و او را به هر جا که بخواهیم می بریم. ^۴ یک سگان کوچک، کشتی بزرگ را به هر سو که خواست ناخدا باشد، هدایت می کند حتی اگر بادی شدید بوزد.
۳:۳ مز ۹:۳۲	^۵ زبان نیز در بدن، عضوی کوچک است، ولی چه خسارات سنگینی می تواند به بار آورد. یک جنگل عظیم را می توان با یک جرعه کوچک به آتش کشید. زبان همچون زبانه آتش است؛ لبریز از شرارت می باشد و تمام بدن را زهر آلود می کند؛ آتشی است که از جهنم می آید و می تواند تمام زندگی را به نابودی بکشد.
۵:۳ امت ۲۰:۲۶ ۶:۳ مز ۳:۱۲ امت ۱۲:۶-۱۹؛ ۱۱:۱۰	
۲۷:۱۶ متی ۱۱:۱۵ مر ۱۶:۱۵ و ۱۷	

گفتار	وقتی انگیزه گفتار ما شیطانی است، سخنان ما لبریز است از:	وقتی انگیزه گفتار ما الهی است و از حکمت خدا سرچشمه می گیرد، سخنان ما لبریز است از:
حسادت خودخواهی علاق و تمایلات دنیوی افکار و عقاید غیرروحانی بی نظمی شرارت	دلسوزی محبت به دیگران آرامش ادب پذیرش دیگران صداقت و صمیمیت نجابت نیکی	

چیزهاست: غیبت، حقیر کردن دیگران، لاف زدن، فریب دادن، تعلیم غلط، گزافه گویی، چاپلوسی کردن، و دروغ گفتن. قبل از سخن گفتن، از خودتان بپرسید که آیا حرفی که می خواهم بزنم راست است، آیا گفتن آن ضرورت دارد، و آیا از روی محبت است؟

۶:۳ یعقوب خسارتی را که زبان می تواند به بار آورد، به آتشی مهلک تشبیه می کند، چون شرارت زبان از جهنم سرچشمه می گیرد. زبانی که مهار نشده باشد، می تواند خسارت وحشتناکی به بار آورد. شیطان از زبان برای ایجاد تفرقه در بین مردم و انداختن آنها به جان یکدیگر استفاده می کند. سخن بیهوده، مخرب است چون سرعت باعث نابودی می شود و به محض جاری شدن، نتایج زیانباری دارد که هیچ کس نمی تواند مانع آن شود. چند کلام

۲۰۱:۳ در فرهنگ یهود، حرفه معلمی بسیار مهم و آبرومند بود. بسیاری از یهودیانی که مسیحیت را پذیرفته بودند، می خواستند معلم شوند. یعقوب به آنها هشدار می دهد که گرچه تعلیم دادن آرزوی خوبی است، اما مسؤلیت معلمان زیاد است چون تعالیم آنها بر زندگی روحانی دیگران تأثیر می گذارد. اگر شما در مقام معلم یا رهبر هستید، چگونه سرمشقی برای شاگردان یا پیروان خود هستید؟

۳۰۲:۳ آنچه که شما می گوئید و آنچه که نمی گوئید، هر دو مهم اند. گفتار به جا فقط این نیست که سخنان درست را در زمان درست به کار ببرید، بلکه تسلط بر تمایل به گفتن آنچه که نباید بگوئید، نیز جزئی از گفتار به جاست. نمونه هایی از استفاده نادرست از زبان شامل این

انسان توانسته است هرگونه حیوان وحشی، پرنده، خزنده و جاندار دریایی را رام کند، و بعد از این نیز رام خواهد کرد.^۸ اما هیچ انسانی نمی‌تواند زبان را رام کند. زبان همچون مار سمی، همیشه آماده است تا زهر کشنده خود را بیرون بریزد.^۹ با آن، لحظه‌ای پدر آسمانی مان خدا را شکر می‌کنیم و لحظه‌ای دیگر مردم را که شبیه خدا آفریده شده‌اند، نفرین می‌کنیم. از دهانمان هم برکت جاری می‌شود، هم لعنت. برادران عزیز، نباید چنین باشد.^{۱۱} آیا امکان دارد از یک چشمه، ابتدا آب شیرین بجوشد و بعد آب شور؟^{۱۲} آیا می‌توان از درخت انجیر، زیتون چید؟ یا از تاک، می‌توان انجیر چید؟ نه! به همین ترتیب، از چاه شور، نمی‌توان آب شیرین و گوارا کشید.

۸:۳

مز ۳:۱۴۰

روم ۱۳:۳

۹:۳

پیدا ۱:۲۶ و ۲۷: ۱:۵

اقرن ۷:۱۱

۱۲:۳

متی ۱۶:۷

۳- خرد واقعی خرد آسمانی

^{۱۳} اگر خود را خردمند و حکیم می‌دانید، باید همواره مهربان و نیکوکار باشید؛ و اگر بسبب داشتن اینگونه اعمال به خود نبالید، آنگاه براستی خردمند می‌باشید.^{۱۴} اما اگر در زندگی تان کینه و حسادت و خودخواهی وجود دارد، بیهوده سنگ عقل و خرد را به سینه نزنید، که این بدترین نوع دروغ می‌باشد؛^{۱۵} زیرا در آن خرد و حکمتی که خدا می‌بخشد، اینگونه صفات ناپسند وجود ندارد، بلکه اینها دنیوی، غیر روحانی و شیطانی هستند.^{۱۶} در واقع، هر جا که حسادت و جاه‌طلبی وجود دارد، هرج و مرج و هرگونه شرارت دیگر نیز بچشم می‌خورد.

۱۴:۳

روم ۱۳:۱۳

۱۵:۳

یعقو ۱۷:۱

۱۶:۳

اقرن ۳:۳

خود ما می‌شود. گاهی سخنان ما درست و باعث خشنودی خدا می‌شود، اما وقتی هم شدیدالحن و مخرب است. کدامیک از آنها هویت واقعی ما را منعکس می‌سازد؟ زبان تصویری درست از طبیعت و ذات ما را نشان می‌دهد. ما خوب هستیم، چون به شکل خدا ساخته شده‌ایم؛ اما بد هم هستیم، چون سقوط کرده و گناهکاریم. خدا در ما عمل می‌کند تا ما را کاملاً تغییر دهد. وقتی روح‌القدس قلب ما را پاک می‌سازد، خویشنداری نیز به ما می‌دهد تا بتوانیم سخنانی را بر زبان بیاوریم که خدا را خشنود می‌سازد.

۱۳:۳-۱۸ آیا کسی را می‌شناسید که مدعی حکمت و خرد باشد، اما در کمال حماقت عمل کند؟ حکمت و خرد واقعی را می‌توان از روی عمق شخصیت شخص سنجید. همان‌طور که شما درخت را از نوع میوه‌ای که بار می‌آورد می‌شناسید، میزان خرد خود را از روی نحوه عملکردتان می‌توانید ارزیابی کنید. حماقت به هرج و مرج منتهی می‌شود، اما خرد و حکمت به صلح و نیکی.

خشم‌آلود، می‌تواند رابطه دوستی‌ای را که سالها طول کشیده تا ایجاد شود، از هم بپاشد. قبل از اینکه سخنی بگویید، به یاد داشته باشید که سخن مانند آتشی است که وقتی از زبان جاری شد، نه می‌توانید آن را مهار کنید و نه خسارتی را که می‌تواند به‌بار آورد، خنثی کنید.

۷:۳-۱۲ اگر هیچ انسانی نمی‌تواند بر زبان مسلط شود، پس چرا به خود زحمت این کار را بدهیم؟ به این دلیل که حتی اگر ما نتوانیم در این دنیا بر زبان مسلط شویم، ولی می‌توانیم تا حدی بیاموزیم که از خسارت آن بکاهیم. مبارزه با آتش بهتر است از اینکه باعث سرایت آن به دیگران شویم و آتش دیگری به‌پا کنیم! فراموش نکنید که ما به قدرت خودمان در مقابل آتش زبان مقاومت نمی‌کنیم. روح‌القدس قدرت فزاینده‌ای به ما خواهد داد تا بر سخنان خود تسلط داشته باشیم. ما در مقام یک مسیحی، شخص کاملی نیستیم، اما در ضمن نباید هیچ وقت از رشد کردن باز بمانیم.

۹:۳-۱۲ سخنان ضدو تقیض ما، اغلب باعث سردرگمی

^{۱۷} اما خرد و حکمتی که از آسمان می‌باشد، در وهله اول پاک و نجیب است، و بعد صلح‌جو و مؤدب و ملایم؛ حاضر به گفتگو با دیگران و پذیرش نظرات ایشان است؛ لبریز از دلسوزی و اعمال نیک بوده، صمیمی و بی‌ریا و بی‌پرده می‌باشد. ^{۱۸} آنانی که صلح‌جو هستند، بذری صلح می‌کارند و نیکی و خیر درو می‌کنند.

تقرب جستن به خدا

۴ علت جنگ و دعوای شما چیست؟ آیا علت آنها، آرزوهای ناپاکی نیست که در وجود شما منزل دارد؟^۲ در حسرت چیزی بسر می‌برید که ندارید؛ پس دستتان را به خون آلوده می‌کنید تا آن را به چنگ آورید. در آرزوهای چیزهایی هستید که متعلق به دیگران است، و شما نمی‌توانید داشته باشید؛ پس به جنگ و دعوا می‌پردازید تا از چنگشان بیرون بکشید. علت اینکه آنچه می‌خواهید ندارید، اینست که آن را از خدا درخواست نمی‌کنید.^۳ وقتی هم درخواست می‌کنید، خدا به دعایتان جواب نمی‌دهد، زیرا هدفشان نادرست است؛ شما فقط در پی بدست آوردن چیزهایی هستید که باعث خوشی و لذتتان می‌شود. ^۴ شما همچون همسران بی‌وفایی هستید که به دشمنان شوهرشان عشق می‌ورزند. آیا متوجه نیستید که اگر با دشمنان خدا، یعنی لذت‌های ناپاک این دنیا دوستی نمایید، در واقع با خدا دشمنی می‌کنید؟ پس هر که می‌خواهد از خوشی‌های

۱۷:۳

لو ۳۶:۶

روم ۹:۱۲-۱۱:۱۸

۲ قرن ۶:۶

فیل ۱:۱۱

عبر ۱۰:۱۲ و ۱۱

یعقو ۲:۱۳ ؛ ۴:۸

۱ یو ۳:۱۸-۲۰

۱۸:۳

امت ۱۱:۱۸

متی ۵:۹

۲:۴

۱ یو ۳:۱۵

۳:۴

۱ یو ۳:۲۲ ؛ ۵:۱۴

۴:۴

۱ یو ۱۵:۱۹

۱ یو ۲:۱۵

اگر به خدا اجازه بدهیم که آرزوهای ما را طوری تغییر دهد که منطبق بر اراده خودش شود، در آن صورت دعای ما قدرت خواهد داشت (۱ یوحنا ۳:۲۱ و ۲۲).

۴:۳ و ۴ هیچ اشکالی ندارد که در پی زندگی دلخواهی باشیم. خدا موهبت‌هایی به ما داده تا از آنها لذت ببریم (۱۷:۱) ؛ افسسیان ۷:۴ ؛ ۱ تیموتائوس ۴:۴ و ۵). اما لذت‌جویی به قیمت زیر پا گذاشته شدن حقوق دیگران و عدم اطاعت از خدا، اشتباه است. لذتی که مانع شود رضایت خدا را جلب کنیم، گناه‌آلود می‌باشد، ولی لذت‌جویی از نعمات فراوان خدا خوب است.

۴:۴-۶ راه از میان برداشتن آرزوهای ناپاک، فروتنی است (مراجعه کنید به امثال ۱۶:۱۸ و ۱۹ ؛ ۱ پطرس ۵:۵ و ۶). غرور، ما را خودمحور می‌کند و ما را به این نتیجه می‌رساند که ما مستحق برخورداری از همه چیزهایی هستیم که می‌توانیم ببینیم، لمس کنیم، یا تصورش را کنیم. غرور، اشتباهی حریصانه برای به‌دست آوردن چیزهایی خارج از نیازمان، در ما به‌وجود می‌آورد. برای خنثی کردن آرزوهای خودمحورانه باید خود را در حضور خدا فروتنی

۱-۳ دعوی بین ایمانداران همیشه باعث زیان است. یعقوب به ما می‌گوید که این دعوای خودخواسته‌های ناپاک درون ما سرچشمه می‌گیرد، به‌خاطر اینکه ما دارایی بیشتر، پول بیشتر، مقام بالاتر، شهرت بیشتر را طالبیم. اگر شدیداً در طلب آن باشیم که به این آرزوها برسیم، برای رسیدن به آنها، دستمان را به خون هم آلوده خواهیم ساخت. به‌جای اینکه خواسته‌های خود را با ستیزه‌جویی به چنگ آوریم، باید از خدا بخواهیم تا به ما کمک کند از آرزوهای خودخواهانه خود خلاصی بیابیم و به او اعتماد داشته باشیم که نیازهای واقعی ما را به ما خواهد داد.

۳ و ۴ یعقوب رایج‌ترین مشکلاتی را که در دعا وجود دارد، ذکر می‌کند: درخواست نکردن، درخواست چیزهای نادرست، درخواست با انگیزه‌های نادرست. آیا با خدا صحبت می‌کنید؟ وقتی صحبت می‌کنید، درباره چه چیزی با او حرف می‌زنید؟ آیا فقط برای برآورده کردن آرزوهایتان از او درخواست می‌کنید؟ آیا در پی جلب تأیید خدا برای طرح‌ها و نقشه‌های خود هستید؟

ناپاک این دنیا لذت بجوید، دیگر نمی‌تواند دوست خدا باشد.^۵ تصور می‌کنید که کتاب آسمانی بیهوده می‌گوید که روح خدا که خداوند او را در وجود ما ساکن کرده است، آنقدر به ما علاقه دارد که نمی‌تواند تحمل کند که دل ما جای دیگری باشد؟^۶ اما نباید فراموش کرد که خدا قدرت لازم برای ایستادگی در مقابل این خواسته‌های گناه‌آلود را به ما عطا می‌فرماید. از اینرو، کتاب آسمانی می‌فرماید: «خدا به شخص فروتن قوت می‌بخشد، اما با شخص متکبر و مغرور مخالفت می‌کند.»

^۷ بنابراین، خود را با فروتنی به خدا بسپارید، و در برابر شیطان ایستادگی کنید تا از شما دور شود.^۸ به خدا نزدیک شوید، تا او نیز به شما نزدیک شود. ای گناهکاران، دستهای گناه‌آلود خود را بشوید و دل خود را فقط با عشق الهی لبریز سازید تا پاک گردد و نسبت به خدا وفادار بماند.^۹ برای اعمال اشتباه خود، اشک بریزید و ماتم کنید، و در عمق وجودتان غمگین و ناراحت باشید؛ به جای خنده، گریه کنید، و به جای شادی، سوگواری نمایید.^{۱۰} زمانی که به ناچیزی و کوچکی خود در مقابل خدا پی بردید، آنگاه خدا شما را سرافراز و سربلند خواهد ساخت.

^{۱۱} برادران عزیز، از یکدیگر بدگویی نکنید و ایراد نگیرید و یکدیگر را محکوم ننمایید. زیرا اگر چنین کنید، در واقع از احکام خدا ایراد گرفته و آن را محکوم

۵:۴

اقرن ۱۹:۶

اقرن ۱۶:۶

۶:۴

مز ۶:۱۳۸

امث ۲۳:۲۹ ؛ ۳۴:۳

متی ۱۲:۲۳

۱ پط ۵:۵

۷:۴

روم ۱۱:۱۴

افس ۲۱:۵ ؛ ۱۱:۶ و ۱۲

۱ پط ۵:۵ ؛ ۸:۹

۸:۴

مز ۲۸:۷۳

اش ۱۶:۱ ؛ ۷۶:۵۵

متی ۲:۱۵

۱ پط ۲۱:۳

۹:۴

لو ۲۵:۶

۱۱:۴

متی ۱۰:۷

اقرن ۲۰:۱۲

افس ۳۱:۴

۲ تیمو ۳:۳

۱ پط ۱:۲

بشوید» (یعنی یک زندگی پاک را در پیش بگیرید) و «دل خود را فقط با عشق الهی لبریز سازید» (۸:۴). خود را از گناه پاک کنید و پاکی خدا را جایگزین آن سازید. (۴) برای گناهان خود اشک بریزید، ماتم کنید و در عمق وجودتان غمگین و ناراحت باشید (۹:۴). از بیان کردن گناهانتان از ته دل هراس نداشته باشید. (۵) «به ناچیزی و کوچکی خود پی ببرید» (۱۰:۴). خود را در مقابل خدا فروتن کنید، آنگاه او شما را سرافراز و سربلند خواهد ساخت (۱ پطرس ۵:۶).

۱۰:۴ «زمانی که به ناچیزی و کوچکی خود در مقابل خدا پی بردید» را می‌توان چنین ترجمه کرد: «خود را در مقابل خدا فروتن کنید.» فروتن کردن خود یعنی در یابیم که قدر و منزلت ما فقط از خداست. ما سزاوار لطف خدا نیستیم، ولی او با محبت به سراغ ما می‌آید و علیرغم نقص‌های بشری‌مان، به ما بها و منزلت می‌بخشد.

۱۱:۴ و ۱۲ عیسی احکام خدا را در محبت به خدا و به همسایه خلاصه کرد (متی ۳۷:۲۲-۴۰)، و پولس می‌فرماید که نشان دادن محبت به همسایه، در واقع به‌جا آوردن همه احکام خدا است (رومیان ۱۳:۶-۱۰). وقتی ما

سازیم، و درک کنیم که به چیزی غیر از خشنودی خدا نیاز نداریم. وقتی روح خدا ما را پر می‌سازد، در می‌یابیم که چیزهایی که در حسرت آنها بوده‌ایم، چقدر در مقابل آنچه که خدا می‌دهد، بی‌ارزش است.

۷:۴ با اینکه خدا و شیطان در جنگند، اما ما نباید تا به آخر جنگ منتظر بمانیم و آن وقت بفهمیم چه کسی برنده می‌شود. خدا *پیش‌تر از این* شیطان را مغلوب کرده است (کولسیان ۱۳:۲-۱۵؛ مکاشفه ۱۰:۱۲-۱۲)، و وقتی مسیح باز گردد، شیطان و همه هواداران او را برای همیشه نابود خواهد ساخت (مکاشفه ۱۰:۲۰-۱۵). اما شیطان فعلاً در این دنیاست و سعی می‌کند ما را مجذوب اهداف شریرانه خود بسازد. ما با روح‌القدس که در ما ساکن است، می‌توانیم در برابر شیطان ایستادگی کنیم تا از ما دور شود.

۸:۴ چگونه می‌توان به خدا نزدیک شد؟ یعقوب پنج پیشنهاد می‌دهد، به این قرار که (۱) «خود را با فروتنی به خدا بسپارید» (۷:۴). این واقعیت را ببپذیرید که به بخشش خدا نیاز دارید و حاضر به پیروی از او باشید. (۲) «در برابر شیطان ایستادگی کنید» (۷:۴). اجازه ندهید او شما را اغفال یا وسوسه کند. (۳) «دست‌های گناه‌آلود خود را

کرده‌اید. اما وظیفه شما قضاوت درباره احکام خدا نیست، بلکه اطاعت از آن.^{۱۲} فقط آن کسی که این احکام را وضع کرد، قادر است به درستی در میان ما داوری کند. تنها اوست که می‌تواند ما را نجات دهد یا هلاک کند. پس شما چه حق دارید که درباره دیگران داوری کنید و از ایشان خرده بگیرید؟

در برنامه‌ریزی کردن برای آینده به خدا توکل کنید

^{۱۳} گوش کنید ای تمام کسانی که می‌گویید: «امروز یا فردا به فلان شهر خواهیم رفت و یک سال در آنجا مانده، تجارت خواهیم کرد و سود کلانی خواهیم برد.»^{۱۴} شما چه می‌دانید فردا چه پیش خواهد آمد؟ عمر شما مانند مه صبحگاهی است که لحظه‌ای آن را می‌توان دید و لحظه‌ای بعد محو و ناپدید می‌شود!^{۱۵} پس، باید بگویید: «اگر خدا بخواهد، زنده خواهیم ماند و چنین و چنان خواهیم کرد.»^{۱۶} در غیر اینصورت، شما مغرور و خودپسند هستید و به نقشه‌ها و برنامه‌های خود می‌بالید؛ و چنین شخصی هرگز نمی‌تواند خدا را خشنود سازد.

^{۱۷} پس، این را از یاد نبرید که اگر بدانید چه کاری درست است، اما آن را انجام ندهید، گناه کرده‌اید.

۱۲:۴

متی ۲۸:۱۰

روم ۱۳:۴؛ ۱:۴

یعقوب ۹:۵

۱۴:۴

مز ۳:۱۰۲

۱۶:۴

اقرن ۸:۷؛ ۷:۵

۱۷:۴

لو ۴:۷؛ ۴:۸

روم ۱۷:۲-۲۳

خدا را در مرکز برنامه‌های خود قرار دهید، شکست خواهید خورد.

۱۴:۴ سالهای عمر ما هر چقدر هم که باشد، ولی باز خیلی زود سپری می‌شود. خود را فریب ندهید که زمان زیادی پیش رو دارید تا برای مسیح زندگی کنید، یا در کنار عزیزانتان باشید، یا کارهایی که می‌دانید باید بکنید، انجام دهید. امروز برای خدا زندگی کنید! در آن صورت، فرقی نمی‌کند کی زندگی‌تان به آخر می‌رسد، چون نقشه‌ای که خدا برای شما در نظر دارد، به انجام خواهید رساند.

۱۷:۴ گرایش فکری ما این است که **انجام عمل** نادرست، گناه می‌باشد. اما یعقوب به ما می‌گوید که **انجام ندادن** عمل درست نیز گناه است (این دو نوع گناه، گاهی گناهان ارتكابی و گناهان قصوری نیز نامیده می‌شوند). دروغ گفتن گناه است؛ دانستن حقیقت و نگفتن آن نیز گناه است. بدگویی کردن از کسی گناه است؛ اما اگر بدانید او به دوستی با شما نیاز دارد و با این حال از او دوری کنید، این نیز گناه است. باید مطابق با هدایت روح القدس، آماده کمک به دیگران باشیم. همچنین باید دعا کنیم که با غفلت از انجام اعمال خوب و درست، مرتکب گناه نشویم.

در محبت کردن دیگران کوتاهی می‌کنیم، درحقیقت حکم خدا را زیر پا می‌گذاریم. اعمال و رفتار خود را نسبت به دیگران مورد بررسی قرار دهید. آیا باعث تقویت و تشویق آنان می‌شوید یا موجب خرد شدن آنها می‌گردید؟ وقتی مستعد خرده‌گیری از کسی هستید، حکم محبت خدا را به یاد بیاورید و به جای خرده‌گیری، از نیکویی‌های او سخن بگویید. اگر به این کار عادت کنید، گرایش به عیب‌جویی از دیگران در شما کاهش پیدا خواهد کرد و توانایی شما در اطاعت از احکام خدا افزایش خواهد یافت.

۱۳:۴-۱۶ داشتن هدف و برنامه در زندگی خوب است، اما اگر خدا را از آن کنار بگذارید، با شکست روبرو خواهید شد. هیچ فایده‌ای ندارد که طوری برنامه‌ریزی کنیم که گویی خدا وجود ندارد، چون آینده در دستهای اوست. دوست دارید در ده سال آینده چه کار کنید؟ در یک سال آینده چه؟ فردا چطور؟ اگر خدا دخالت کند و ترتیب جدیدی به نقشه‌ها و برنامه‌های شما بدهد، چه عکس‌العملی نشان خواهید داد؟ از پیش نقشه‌ها و برنامه‌های خود را ترتیب بدهید، اما خیلی سفت و سخت به آنها نچسبید. اگر شما خواسته‌های

اخطار به ثروتمندان

و اینک، شما ای ثروتمندان، توجه کنید! گریه و زاری نمایید، زیرا بلاهای وحشتناکی در انتظار شماست. ^۱ از هم اکنون، ثروتان تباه شده و

۵

۱:۵
امث ۲۸:۴:۱۱
اش ۶:۱۳
صف ۱۸:۱
متی ۲۴:۱۹ و ۲۴
لو ۲۴:۶

محل آیات	درسی که می آموزیم	ایمانی که عمل می کند
یعقوب ۲:۱ ؛ متی ۵:۱۰-۱۲	وقتی آزمایشهای سخت و جفاها از هر سو بر شما هجوم می آورند، بسیار شاد باشید. پاداش در انتظار شماست.	نامه به یعقوب بیش از هر کتاب دیگر عهدجدید،
یعقوب ۴:۱ ؛ متی ۵:۴۸	افرادی کامل و بالغ خواهید شد و به هیچ چیز نیاز نخواهید داشت.	شباهت های زیادی به موعظه سرکوه دارد. یعقوب بسیار
یعقوب ۵:۱ ؛ متی ۵:۱۵ متی ۷:۷-۱۲	از خدا سؤال کنید و او به شما پاسخ خواهد داد.	زیاد به تعالیم عیسی استناد می کند.
یعقوب ۹:۱ ؛ متی ۳:۵	فروتان یعنی کسانی که مطابق با معیارهای دنیا چیز زیادی ندارند، باید بسیار شاد باشند.	
یعقوب ۲۰:۱ ؛ متی ۲۲:۵	مواظب خشم خود باشید... چون می تواند خطرناک باشد.	
یعقوب ۱۳:۲ ؛ متی ۷:۵؛ ۶:۱۴ یعقوب ۲:۱۴-۱۶ متی ۷:۲۱-۲۳	نسبت به دیگران رحیم باشید، چنانکه خدا نسبت به شما رحیم است. باید ایمان خود را با کمک کردن به دیگران، نشان دهید.	
یعقوب ۳:۱۷ و ۱۸ ؛ متی ۹:۵	خوشابه حال آنانی که برای برقراری صلح کوشش می کنند؛ آنانی که صلح جو هستند، بذر صلح می کارند و نیکی و خیر درو می کنند.	
یعقوب ۴:۴ ؛ متی ۶:۲۴	نمی توانید هم بنده خدا باشید و هم بنده پول و لذایذ و یا ناپاکی ها. دوستی با گناه شما را دشمن خدا می سازد.	
یعقوب ۱۰:۴ ؛ متی ۵:۳ و ۴	وقتی ما خود را فروتن می کنیم و پی به نیاز خود به خدا می بریم، خدا نزد ما می آید و ما را سرافراز می کند.	
یعقوب ۴:۱۱ ؛ متی ۷:۱ و ۲	از هم خرده نگیرید و غیبت نکنید، چون این کار برخلاف حکم خداست که می فرماید یکدیگر را دوست بدارید.	
یعقوب ۲:۵ ؛ متی ۶:۱۹	گنجهای این دنیا نابود می شوند و از بین می روند، پس ما باید گنجهایی را که تا ابد باقی می ماند در آسمان ذخیره کنیم.	
یعقوب ۱۰:۵ ؛ متی ۱۲:۵ یعقوب ۵:۱۲ ؛ متی ۲۳-۳۳	در مصیبت ها صبور باشید، همان طور که انبیای خدا صبور بودند. در سخن گفتن راستگو باشید، بدینسان که اگر سختتان واقعاً بلی است، می توانید بگویید «بلی» یا اگر منظورتان واقعاً نه است، می توانید بگویید «نه» و همیشه امین باشید.	

انجیل به پول نیاز دارند؛ کلیساها برای انجام مؤثر خدمتی که می کنند به پول نیاز دارند. عشق به پول است که منجر به گناه می شود (۱ تیموتائوس ۶:۱۰). و این اختطاری است به همه مسیحیانی که وسوسه می شوند که به جای پذیرفتن معیارهای خدا، معیارهای دنیوی را اختیار کنند (رومیان ۱۲:۱ و ۲). همچنین برای اینکه بدانید عیسی درباره ثروت چه می گوید، متی ۱۹:۶-۲۱ را بخوانید.

۱-۶ یعقوب نشان می دهد که خود ثروت بی فایده و بی ارزش است، نه ثروتمند بودن. وقتی مسیح باز گردد، ثروتی که امروز داریم، بی ارزش خواهد شد. پس باید وقت خود صرف جمع آوری گنجی کنیم که در سلطنت ابدی خدا ارزشمند باشد. مسأله خود پول و ثروت نیست، چون رهبران مسیحی نیز برای زندگی و تأمین معاش خانواده شان به پول نیاز دارند؛ میسیونرها برای انتشار

لباس‌های گرانبهایتان را نیز بید خورده است.^۳ شما در این دنیای زودگذر، طلا و نقره می‌اندوزید، غافل از اینکه با این کار، برای خود در روز قیامت مجازات ذخیره می‌کنید. زیرا همانگونه که طلا و نقره‌تان را زنگ خورده است، آتش نیز بدن شما را خواهد خورد.^۴ گوش دهید! به ناله کارگرانی که برای شما کار کرده‌اند، گوش دهید؛ کارگرانی که گولشان زده‌اید و مزدشان را نداده‌اید. ناله‌های ایشان تا به آسمان بالا رفته و به گوش خدای متعال رسیده است.
^۵ شما سالهای عمر خود را در این دنیا به خوشگذرانی و عیش و نوش گذرانیدید و مانند گوسفندان پرواری شده‌اید که برای روز ذبح آماده می‌باشند.^۶ شما انسان بی‌گناه را که قادر به دفاع از خود نبود، محکوم کردید و کشتید.

صبر در زحمات

^۷ و اما شما ای برادران عزیز که برای بازگشت خداوند عیسی مسیح روزشماری می‌کنید، صبر داشته باشید و مانند کشاورزی باشید که تا پاییز برای برداشت محصول پرارزش خود صبر می‌کند.^۸ پس شما نیز صبر داشته باشید و یقین بدارید که خداوند بزودی باز خواهد گشت.^۹ ای برادران، وقتی در مشکلات گرفتار می‌شوید، دیگران را مقصر ندانید و از ایشان شکایت نکنید تا خداوند نیز شما را محکوم نکند؛ زیرا او بزودی داوری عادلانه خود را آغاز خواهد کرد.
^{۱۰} صبر و بردباری را از انبیای خداوند بیاموزید.^{۱۱} همه آنانی که در زندگی صبر

۴:۵
 خرو ۲۳:۲ و ۲۴
 لای ۱۹:۱۳
 تث ۱۴:۱۴ و ۱۵
 مز ۹:۱۲
 ار ۲۲:۱۳
 ۵:۵
 لو ۱۶:۱۹
 ۶:۵
 یعقو ۴:۲

۷:۵
 ۲ پط ۳:۴-۱۳
 ۸:۵
 روم ۸:۲۵-۱۱:۱۳
 عبر ۱۰:۲۵-۳۷
 ۹:۵
 اقرن ۴:۵
 یعقو ۴:۱۲
 ۱۰:۵
 ار ۲:۳۰
 متی ۱۱:۵ و ۱۲
 ۱۱:۵
 ایو ۱:۲۲-۷:۲ و ۲
 روم ۴:۲

زحماتی که کشیده‌اند، به پاداش آینده چشم بدوزند. طوری زندگی نکنید که گویی مسیح هرگز باز نخواهد گشت. با وفاداری برای برقراری سلطنت او کار کنید، چون پادشاه به هنگام برداشت محصول **خواهد آمد**.
۹:۵ وقتی مشکلی پیش می‌آید، ما دیگران را مسبب بدبختی‌های خود می‌دانیم (مراجعه کنید به توضیحات مربوط به پیدایش ۱۲:۳ و ۱۳). تقصیر را به گردن دیگران انداختن آسانتر است از اعتراف به نقشی که خودمان در ایجاد مشکل داشته‌ایم، اما هر دو حالت در برخورد با مشکل، مخرب و گناه‌آلود است. قبل از اینکه دیگران را به‌خاطر عیوب آنها محکوم کنید، به‌یاد آورید که مسیح برای داوری خواهد آمد و هر یک از ما را مورد ارزیابی قرار خواهد داد (متی ۷:۱-۵). او اجازه نخواهد داد با انداختن تقصیر به گردن دیگران، از داوری او بگریزیم.
۱۱:۵ برای کسب اطلاعات بیشتر درباره موضوع زحمات، مراجعه کنید به توضیحات مربوط به ایوب ۱:۱؛ ۲:۱۰؛ ۳:۲۳-۲۶؛ ۴:۷ و ۸؛ ۱۴:۲۳؛ ۱۷:۴۲ و تاریخچه زندگی او در ایوب ۲.

۶:۵ مردم بی‌دفاعی که یعقوب اینجا به آنها اشاره می‌کند، احتمالاً کارگران فقیر هستند. افراد فقیری را که نمی‌توانستند بدهی‌هایشان را بپردازند، روانه زندان می‌کردند یا آنها را تحت فشار قرار می‌دادند تا همه اموال خود را و حتی گاهی اعضای خانواده‌شان را برای بردگی بفروشند. مردم فقیر به‌خاطر اینکه امکان خلاصی پیدا کردن از شر بدهی‌هایشان را نداشتند، اغلب از گرسنگی می‌مردند. و خدا این را قتل می‌نامد.
۸ و ۷:۵ کشاورز صبورانه منتظر رشد محصول زیر کشت خود می‌شود، چون نمی‌تواند روند رشد را تسریع کند. اما در فصل تابستان به این امید که همه چیز در مزرعه روبه‌راه است، بی‌کار نمی‌ماند. برای اطمینان از داشتن محصولی خوب، کار زیادی برای انجام دادن هست. به همین ترتیب ما نیز باید صبورانه منتظر بازگشت مسیح باشیم. ما نمی‌توانیم بازگشت مسیح را به جلو بیندازیم، اما در حین انتظار کشیدن کارهای زیادی هست که با انجام آنها، می‌توانیم ملکوت خدا را به پیش ببریم. هم کشاورز و هم فرد مسیحی باید با ایمان زندگی کنند و به‌خاطر

و تحمل داشتند، خوشبخت شدند. «ایوب» یک نمونه از افرادی است که با وجود مشکلات و مصائب فراوان، صبر و ایمان خود را از دست نداد و خداوند نیز در آخر او را کامیاب ساخت، زیرا خداوند بسیار رحیم و مهربان است. ^{۱۲}مهم تر از همه، هیچگاه قسم نخورید، نه به آسمان و زمین و نه به هیچ چیز دیگر. اگر می گوئید «بله»، سختتان واقعاً بله باشد، و اگر می گوئید «نه»، منظورتان واقعاً نه باشد، تا به این ترتیب گناهی از شما سر نزند و مجازات نشوید.

دعای صادقانه

^{۱۳}اگر در میان شما کسی گرفتار درد و رنج باشد، باید دعا کند. آنانی که دلیلی برای شکرگزاری دارند، باید برای خداوند سرودهای شکرگزاری بخوانند. ^{۱۴}اگر کسی بیمار باشد، باید از کشیشان کلیسا بخواهد که بیایند و برایش دعا کنند و بر پیشانی اش روغن بمالند و از خداوند برای او طلب شفا نمایند. ^{۱۵}اگر دعای ایشان با ایمان همراه باشد، بیمار شفا خواهد یافت؛ زیرا خداوند او را شفا خواهد بخشید، و اگر بیماری او در اثر گناه بوده باشد، گناه او نیز آمرزیده خواهد شد. ^{۱۶}نزد یکدیگر به گناهان خود اعتراف نمایید و برای یکدیگر دعا کنید تا شفا

۱۲:۵
متی ۳۳:۵-۳۷؛
۲۲-۱۶:۲۳

۱۳:۵
لو ۴۴:۲۲
کول ۱۷ و ۱۶:۳

۱۴:۵
مر ۱۳:۶
تیط ۵:۱

۱۵:۵
متی ۲۲:۲۱
مر ۱۸:۱۶
یعقو ۶:۱

۱۶:۵
متی ۱۸:۱۵-۱۸
ایو ۹:۱

همه اعضایش هوشیاری خود را حفظ کند. دعا، به خصوص دعای متحد، برای حیات کلیسا ضروری است. **۱۵:۵** «اگر دعای ایشان با ایمان همراه باشد»، اشاره به ایمان فرد مریض ندارد، بلکه منظور ایمان کلیسا است. ایمان نیست که شفا می دهد، بلکه خداست؛ همه دعاها در اراده خدا انجام می شود. اما دعاها را قسمتی از فرایند شفا را تشکیل می دهد. به همین دلیل اغلب، خدا پیش از مداخله در شفای شخص، منتظر دعاها با ایمان ما می شود.

۱۶:۵ مسیح این امکان را برای ما فراهم کرده تا برای بخشش گناهان مستقیماً نزد خدا برویم، اما با وجود این، اعتراف به گناه نزد یکدیگر، جایگاه مهمی در حیات کلیسا دارد. (۱) اگر ما نسبت به کسی مرتکب گناه شده ایم، باید از او طلب بخشش بکنیم. (۲) اگر گناه ما تمام کلیسا را تحت تأثیر قرار داده است، باید آن را در حضور همه اعتراف کنیم. (۳) اگر به هنگام کشمکش با گناهی، به دیگران احتیاج پیدا می کنیم تا ما را بوسیله محبت خود حمایت کنند، باید این موضوع را به کسانی که می توانند چنین حمایتی را از ما انجام دهند، اعتراف کنیم. (۴) اگر بعد از اعتراف به گناهی شخصی در حضور خدا، هنوز احساس نمی کنیم که بخشوده شده ایم، شاید لازم باشد آن گناه را در حضور خواهر یا برادر ایماندار اعتراف کنیم تا او گوش دهد و ما را از عفو الهی مطمئن سازد. در ملکوت مسیح، هر ایماندار، کاهن

۱۲:۵ کسی که به گزافه گویی یا دروغ گفتن معروف باشد، اغلب نمی تواند بدون قسم خوردن کاری کند که دیگران سخنان او را باور کنند. مسیحیان هیچگاه نباید چنین باشند. همیشه راستگو باشید که در این صورت دیگران به صرف «بله» یا «نه» شما، سخنانتان را باور خواهند کرد. اگر از دروغ گفتن، نیمی راست و نیمی دروغ گفتن، و حذف حقیقت اجتناب کنید، به شخصی امین و معتمد معروف خواهید شد.

۱۵ و ۱۴:۵ در اینجا یعقوب درباره کسی صحبت می کند که از نظر بدنی ناتوان است. در کتاب مقدس روغن هم دارو است (مراجعه کنید به داستان سامری نیکو در لوقا ۱۰:۳۰-۳۷) و هم مظهر روح خدا (در مورد استفاده از روغن برای مسح پادشاهان، مراجعه کنید به اسموئیل ۱:۱۶-۱۳). پس روغن می تواند هم نمایانگر حوزه جسمانی زندگی باشد و هم حوزه روحانی. مسیحیان نباید امور روحانی را از امور جسمانی جدا کنند، چون عیسی مسیح هم مالک بدن ماست و هم مالک روح ما. **۱۵ و ۱۴:۵** افراد در کلیسا تنها نیستند. اعضای بدن مسیح باید بتوانند برای حمایت و دعا روی دیگر ایمانداران حساب کنند، به خصوص وقتی که مریض یا در زحمت هستند. کشیشان باید آماده پاسخگویی به ضعف های هر یک از اعضا باشند، و کلیسا باید در دعا برای احتیاجات

یابید. دعای صادقانهٔ مرد درستکار، قدرت و تأثیر شگفت‌انگیز دارد.^{۱۷} «الیاس» انسانی بود همچون ما. با اینحال، هنگامی که با تمام دل دعا کرد که باران نیارد، برای مدت سه سال و نیم باران نیارید!^{۱۸} و زمانی هم که دعا کرد تا باران بیاید، بارش باران آغاز شد و زمین محصول آورد.

بازگرداندن جانهای گمشده بسوی حقیقت

^{۱۹} برادران عزیز، اگر کسی از راه راست منحرف شده و ایمان خود را از دست داده باشد، اما شخصی به او کمک کند تا بسوی حقیقت باز گردد،^{۲۰} این شخص که باعث بازگشت او بسوی خدا شده، بداند که جان گمشده‌ای را از چنگال هلاکت ابدی نجات داده و موجب آموزش گناهان زیاد او شده است.

۱۷:۵
۱ پاد ۱:۱۷-۷؛ ۱۸:۳۶-۳۹
لو ۲۵:۴

۱۹:۵
امت ۲۷:۱۹
متی ۱۵:۱۸
۱ تیمو ۱:۰۶
۲ پطرس ۱۷:۳

ندارند، اما همه توافق دارند که اگر کسی دست از ایمانش بکشد، در مشکلی جدی قرار می‌گیرد و به توبه نیاز پیدا می‌کند. یعقوب مسیحیان را ترغیب می‌کند تا به کسانی که از ایمان برگشته‌اند، کمک کنند تا بسوی خدا باز گردند. ما باید در کمک به او پیش‌قدم شویم، برای او دعا کنیم و او را با محبت در هر جا که هست ملاقات کنیم تا بتوانیم دوباره او را بسوی خدا باز گردانیم.

۲۰:۵ کتاب یعقوب بر ایمان عملی تأکید دارد. زندگی درست، نتیجه ایمان و گواه بر آن است. کلیسا باید دلسوزانه خدمت کند، با محبت و در راستی سخن بگوید، در اطاعت از احکام خدا زندگی کند و اعضایش یکدیگر را محبت کنند. بدن ایمانداران باید نمونه‌ای از آسمان بر روی زمین باشد، بطوری که از طریق محبت به خدا و محبت به یکدیگر، مردم را بسوی مسیح جذب کند. اگر ما حقیقتاً به کلام خدا ایمان داشته باشیم، هر روز آن را **زندگی** خواهیم کرد. کلام خدا فقط آن چیزی نیست که می‌خوانیم یا درباره آن تفکر می‌کنیم، بلکه چیزی است که انجام می‌دهیم. اعتقاد، ایمان، و اعتماد باید دست و پا داشته باشند؛ دست‌ها و پاهای ما باید در اختیار آنها باشد!

ایمانداران دیگر است (۱ پطرس ۲:۹). این بدان معناست که خدا این وظیفه را بر عهده ما گذاشته که به دیگران کمک کنیم تا نزد مسیح بیایند و در باره بخشش مسیح با آنها سخن بگوییم.

۱۶:۵-۱۸ پرقدردن‌ترین منبع کمک برای فرد مسیحی، مشارکت با خدا از طریق دعا است. نتایج دعا اغلب عالی‌تر از آن چیزی است که فکرش را می‌کنیم. برخی‌ها وقتی همه راه‌ها به شکست منجر می‌شود، دعا کردن را آخرین تلاش می‌دانند. در صورتی که برعکس است و دعا باید اول باشد. از آنجایی که قدرت خدا بی‌نهایت بزرگتر از قدرت ما است، به همین دلیل دعا کردن در این مواقع، فقط به معنای امیدوار بودن به قدرت خدا است، بخصوص که خدا خودش هم ما را تشویق می‌کند به او متکی باشیم. **۱۷:۵** برای کسب اطلاعات بیشتر درباره نبی بزرگ، الیاس، تاریخچه زندگی او را در ۱ پادشاهان ۱۸ بخوانید. **۱۹:۵ و ۲۰** مسلماً شخصی که از راه راست منحرف شده، ایمانداری است که در گناه افتاده، یعنی دیگر زندگی‌اش مطابق با اعتقاداتش نیست. مسیحیان در این مورد که امکان دارد کسی نجات را از دست بدهد، اتفاق نظر